

بمانند و بیارمند - به وزشی آنها را جدا کرده بود و به وزش دیگر تائی توانست از درختان دوری کرد و بگوشه ای می کشاند تا در آنجا دور از درخت و سایه درخت بخواری بمیرند - دیدن این حال و خواندن این بیت در او سخت موثر افتاد و محمود در این فکر شد که آیا راستی هر کسی را قسمتی است که از ازل به او داده اند و اگر این است چرا چنین است و اگر نه این است پس این تفاوت میان درخت نیکبختی و شور بختی خلق از کجاست و آیا این قسمت ازلی فقط اندکی به وفق رضای مانیست یا آنکه در عالم اگر چیزی موافق رضای ماست جز اندکی بیش نیست -

(B)

از مبارزات جالب او در مقابل دستگاه غاصب حکومت انگلستان قیام او و پیروانش در سال ۱۹۳۰ بر انحصار نمک بود - حکومت هندوستان استخراج نمک را انحصاری کرده و بر آن مالیات بنته بودگانندی اعلام کرد که پیاده طی طریق خواهد کرد و به ساحل دریا خواهد رفت و علی رغم قانون غاصبانه از آب دریا نمک استخراج خواهد کرد - روز ۱۲ مارس ۱۹۳۰ پیاده از شهر ساپار ماتی برآه افتاد تا پیاده سیصد کلومتر را تا ساحل دریا طی کند - هفتاد و هشت تن از پیروانش با او در راه های پر خاک و غبار به راه افتادند - گاندی گفت به نام خداوند به راه می اقیم - به هردی که می رسیدند مردم فوج فوج به استقبال آنان می شتافتند - گاندی برای آنان نطق می کرد و از آنها می خواست با قناعت ساده و پاکیزه زندگی کنند و از دواج کودکان را ممنوع سازند و از خوردن الکل پرهیزند -

(C)

از آن شب که مهیار در قصر هیرتا جای گرفت، در قلب ماندا هم جای بزرگی برای خود پیدا کرد. مانده عوض شده بود و مثل کودکی که بازیچه تشنگ و تازه ای برایش آورده اند. شادی می کرد و آواز خواند. مهیار نیز دلخوشی بزرگی یافته بود هر روزه یکی دو ساعت با ماندا اسب سواری می کرد. گوی و چوگان و به او می آموخت. کم کم به ماندا دل می بست و هر وقت فرصتی دست می داد. بانگاه و حرکتی، عشقش را به ماندا می فهمانید. گاهی هم که دو به دو گردش می رفتند، دزدیده پشت گردن و یا بازو و دست ماندا را می بوسید و یا صورتش را به گیسوان خوشترنگ و خوشبوی ماندا می چسباند، تا یک روز بالاخره در پشت یک گلبن سرخ بزرگی ماندا و مهیار، بازو ایشان را به گردن هم انداخته و لب هایشان بی اختیار، زمانی بهم چسبید.

2. Rewrite any two of the following in your own simple Persian :

15

از متون زیر، دو را به فارسی ساده خودتان بنویسید :

(A)

ماهی سیاه رفت، و رفت و باز هم رفت، تا ظهر شد. حالا دیگر کوه و دره تمام شده بود و رودخانه از دشت همواری می گذشت. از راست و چپ، چند رودخانه بی کوچک دیگر هم به آن پیوسته بود و

P.T.O.

آتش را چند برابر کرده بود. ماهی سیاه از فراوانی آب لذت می برد. ناگهان به خود آمد و دید آب ته ندارد. اینور رفت، آنور رفت، آنور رفت، آنقدر آب بود که ماهی کوچولو تولهش کم شده بود. هر طور که دلش خواست شنا کرد و باز سرش به جایی نخورد. ناگهان دید یک حیوان دراز و بزرگ مثل برق به طرفش حمله می کند. یک اره ی دودم جلو دهنش بود. ماهی کوچولو فکر کرد همین حال است که اره ماهی تکه تکه اش بکند، زود به خود جمید و جا خالی کرد و آمد روی آب، دوباره رفت زیر آب که ته دریا را ببیند. وسط راه به یک گله ماهی برخورد هزارها هزار ماهی از یکیشان پرسید.

(B)

زندگی یک دختر جوان پر عشق، با یک مردی که با او اختلاف سنی زیادی دارد چه می تواند باشد؟ قلب ماندنا بنوازش و سرودهای دیوانه جوانی احتیاج داشت و هیرتا با کارهای زیادی که داشت نمی توانست نیازمندی های روح پر شور او را بر آورد. باین جهت ماندنا رنج می برد و کم کم زرد و افسرده و مثل گل شرح درشت و پر آبی که ناگهان در برابر خورشید سوزانی قرار می گیرد، پژمرده می گشت. هیرتا که زن جوانش را بخوبی می پاشید، فهمید که اگر چاره ای برای نجات او نیندیشد ماندنا را از دست خواهد داد، به او دل بستگی زیادی داشت و زلش را مانند بهترین چیزها و گرانبها ترین جواهرها دوست داشت.

(C)

تکلیف دیگری هم داری که قدری دشوار است ولی باید انجام بدی چون ساعت محدود حیات تو در اختیار منست - فردا صبح قبل از آفتاب برو پشت بام هوای بهار است، سردت نخواهد شد، باید یک ساعت قبل از طلوع آفتاب روی بام باشی - هرچه خیال و غصه داری در سینه نگاهدار، بیاد من باش و دمیدن فجر را تماشا کن بین هواچه رنگ می شود مناظر، مختلف کوه و طبیعت را مشاهده کن و به آواز مرغان گوش بده -

بفکر من سپیده صبح از جنس آن نوری است که از طلوع عشق در دل می تابد صفای دوستی است، هوای گلزار محبت و وفاست صافی اشکی است که بر بدبختی دیگران فرو می ریزیم، رقت آهی است که بر بیچارگی مستمندان می کشیم، پاکی دلی است که بتسلی فروماندگان مشغولست، لطافت ناله های است که از پشیمانی خوبی های ناکرده سری دهیم تشنگی خجستی است که از مقایسه اقبال خود با فلاکت زیر دستان می بریم آزادی آن دقایقی است که خود را فراموش می کنیم -

3. Write the summary of any *one* of the following stories :

15

یکی از داستان های زیر را خلاصه کنید :

(۱) خودکشی

(۲) ماهی کوچولو

(۳) بهای عشق

4. Write a short note on any *one* of the following :

10

گزارش کوتاهی درباره یکی از عنوان های زیر بنویسید :

(۱) محمد حجازی

(۲) محمود صنایعی

(۳) صد بهرنگی

5. Write a short note on Modern Persian Prose.

10

گزارش کوتاهی راجع به نثر جدید فارسی بنویسید -